

# علم أصول الفقه

٥٩

٢-١٢-٩٣ ظهور

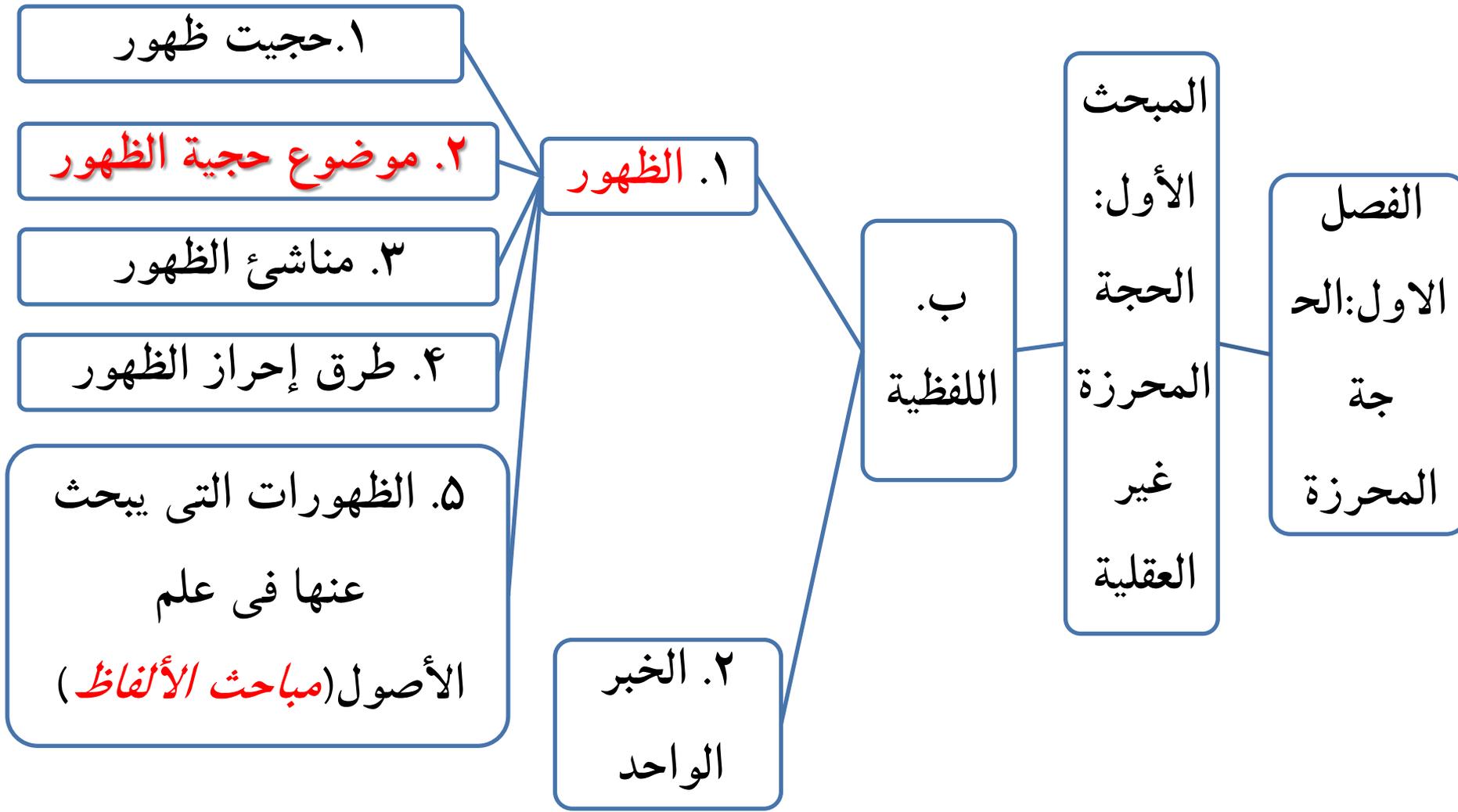
دراسات الأستاذ:  
مهدي الهادي الطهراني

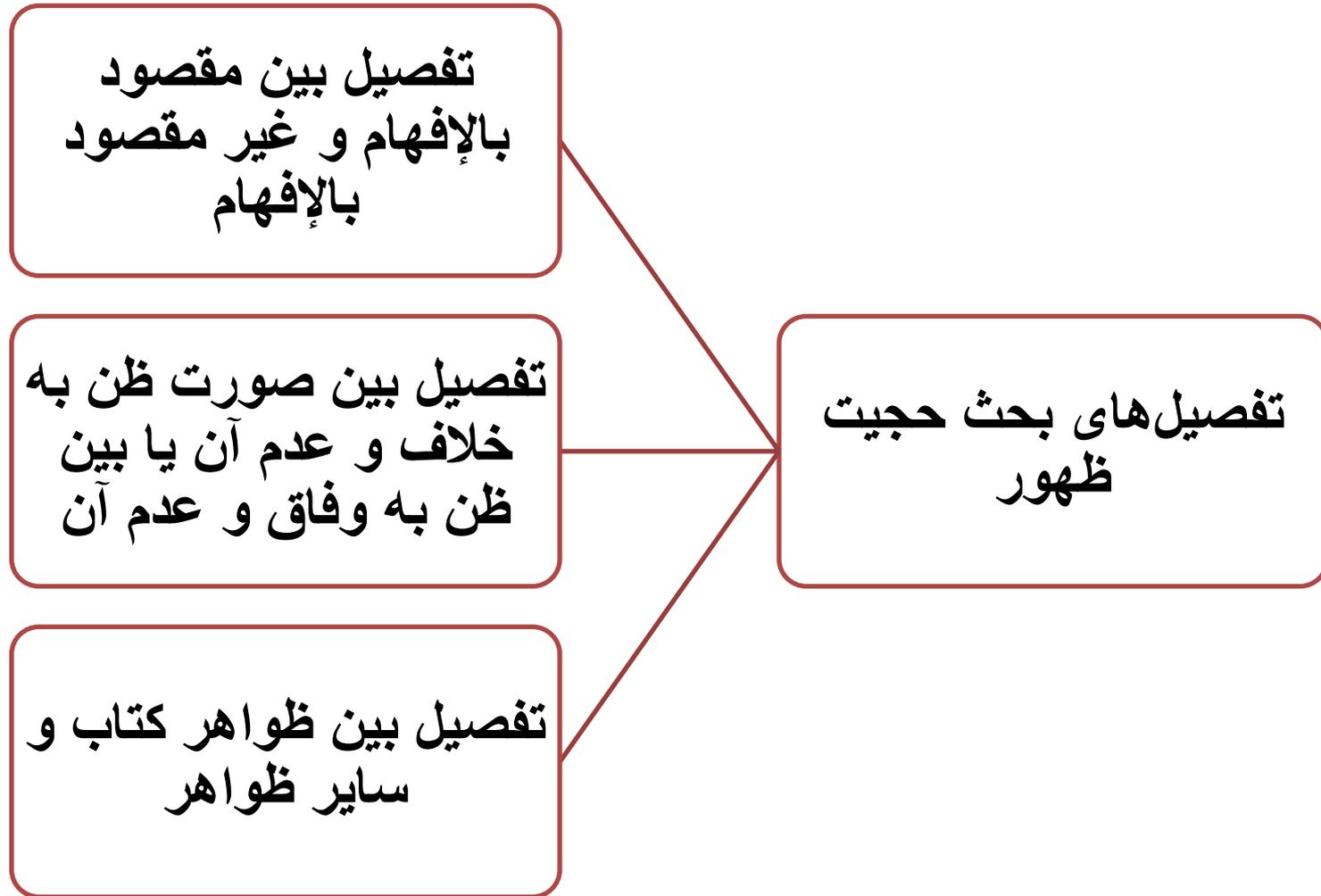
مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ

- بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
- إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زُلْزَالَهَا (١)
- وَأُخْرِجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا (٢)
- وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا (٣)

مَنْ يَعْمَلُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ

- يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا (٤)
- بَأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَى لَهَا (٥)
- يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ (٦)
- فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ (٧)
- وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ (٨)





### ۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر

- دستة اول
- روایاتی که در آن تأکید شده است که اهل بیت علیهم السلام مفسر قرآن هستند و نمی توان بدون تفسیر ایشان به حقیقت قرآن دست پیدا کرد. تعداد این روایات زیاد و لسان آنها هم متفاوت است؛ برای نمونه به روایت ذیل اشاره می کنیم:

### ٣. تفصيل بين ظواهر كتاب و ساير ظواهر

- «محمد بن يعقوب عن محمد بن إسماعيل عن الفضل بن شاذان عن صفوان بن يحيى عن منصور بن حازم قال: قلت لأبي عبد الله ع إن الله أجل و أكرم من أن يعرف بخلقه إلى أن قال و قلت للناس أليس تعلمون أن رسول الله ص كان الحجة من الله على خلقه قالوا بلى قلت فحين مضى رسول الله ص من كان الحجة لله على خلقه قالوا القرآن فنظرت في القرآن فإذا هو يخاصم به المرجئ و القدرى و الزنديق الذى لا يؤمن به حتى يغلب الرجال بخصومته فعرفت أن القرآن لا يكون حجة إلا بقيم فما قال فيه من شىء كان حقا إلى أن قال فأشهد أن عليا ع كان قيم القرآن و كانت طاعته مفترضة و كان الحجة على الناس بعد رسول الله ص و أن ما قال في القرآن فهو حق فقال رحمك الله»

### ۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر

- در این روایت منصور بن حازم داستان مفصلی را برای امام صادق علیه السلام نقل می‌کند. در انتهای روایت امام علیه السلام می‌فرماید: خدا تو را رحمت کند. در واقع با این دعا آنچه را منصور بن حازم گفته است، تأیید می‌کنند. یکی از مطالبی که منصور گفته است و محل استشهاد ما است این است که منصور بن حازم از مخاطبانش سؤال می‌کند آیا پیغمبر صلی الله علیه و آله حجت خدا بر خلق بود؟ مخاطبان جواب می‌دهند بله. ظاهراً مخاطبان به مکتب اهل بیت علیهم السلام اعتقاد ندارند. این گفتگو در حقیقت محاجه‌ای بین منصور بن حازم و آن اشخاص است.

### ۳. تفصیل بین ظواہر کتاب و سایر ظواہر

- بعد سؤال می‌کند وقتی پیغمبر از دنیا رفت چه کسی حجت خدا تبارک و تعالی بر مردم بود. جواب می‌دهد قرآن. منصور بن حازم می‌گوید وقتی به قرآن نگاه می‌کنیم، می‌بینیم هر کسی به گونه‌ای قرآن را تفسیر می‌کند مرجئه، قدری‌ها، زناده هر یک به گونه‌ای. پس بعد از پیغمبر صلی الله علیه و آله قرآن به تنهایی نمی‌تواند حجت خدا تبارک و تعالی باشد. بالاخره منصور بن حازم بحث را به اینجا می‌رساند که به طرف می‌گوید بنابراین علی بن ابی طالب علیه السلام قیم قرآن و طاعتش واجب و بعد از پیغمبر صلی الله علیه و آله حجت خدا تبارک و تعالی بر مردم است. آنگاه حضرت، منصور را تحسین می‌کند.

### ۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر

- مضمون بخش وسیعی از این روایات این است که مصداق «الراسخون فی العلم» که ذیل آیه محکم و متشابه آمده است ائمه علیهم السلام هستند. بنابراین ایشان تأویل قرآن را می‌دانند؛ برای نمونه در روایتی چنین آمده است:

### ٣. تفصيل بين ظواهر كتاب و ساير ظواهر

- «علي بن محمد عن عبد الله بن علي عن إبراهيم بن إسحاق عن عبد الله بن حماد عن بريد بن معاوية عن أحدهما ع في قول الله عز و جل - " وَ مَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ " فرسول الله ص أفضل الراسخين في العلم قد علمه الله عز و جل جميع ما أنزل عليه من التنزيل و التأويل و ما كان الله لينزل عليه شيئاً لم يعلمه تأويله و أوصياؤه من بعده يعلمونه كله و الذين لا يعلمون تأويله إذا قال العالم فيهم بعلم فأجابهم الله بقوله " يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا " و القرآن خاص و عام و محكم و متشابه و ناسخ و منسوخ فالراسخون في العلم يعلمونه»

### ۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر

- مضمون این بخش وسیع غیر از مضمون روایات دسته اول است که می‌گفت ظواهر قرآن برای غیر اهل بیت علیه السلام حجت نیست. این روایات می‌گویند تأویل قرآن را اهل بیت علیهم السلام می‌دانند. تأویل یعنی آنچه یک چیز به آن برمی‌گردد.

### ۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر

- علامه طباطبائی رضوان الله علیه ذیل این آیه بحث مفصلی درباره تأویل و تفسیر دارد. ایشان برخلاف دیگران معتقد است تأویل، حمل کلام برخلاف ظاهر نیست، بلکه اصلاً تأویل قرآن امر ذهنی و از سنخ معنا و مفهوم نیست، بلکه یک واقعیت خارجی است که آیات قرآن از آن برخاسته‌اند و آن تأویل را جز خداوند تبارک و تعالی و کسانی که راسخ در علم باشند، کسی نمی‌داند و مصداق بارز راسخون اهل بیت علیهم السلام هستند.

### ٣. تفصيل بين ظواهر كتاب و ساير ظواهر

- وسائل الشيعة، ج ٢٧، ص: ١٧٦ - ٢٠٦: ابواب صفات القاضي، باب ١٤.
- وسائل الشيعة، ج ٢٧، ١٧٦.

### ٣. تفصيل بين ظواهر كتاب و سائر ظواهر

- . آل عمران، ٧.
- . همان.
- . الكافي، ج ١، ص ٢١٣.

## ۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر

- جواب
- اینکه می گوید آن حقیقت قرآن (تأویل) را فقط عدة خاصی می دانند، منافات ندارد با اینکه ظواهر قرآن برای همه حجت باشد.

### ۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر

- اصولی‌ها هرگز انکار نمی‌کنند که برای تفسیر و فهم قرآن نیاز به اهل بیت علیهم السلام داریم و حتی قبول داریم که ممکن است یک ظاهر قرآنی به واسطه یک کلامی از اهل بیت علیهم السلام **تقید** یا تخصیص زده شده باشد.
- بنابراین وقتی به عمومات یا اطلاقات قرآنی مراجعه می‌کنیم همزمان از مخصص و مقیدش در سنت جستجو می‌کنیم. در واقع این روایات محاجه‌ای است در قبال کسانی که به مرجعیت قرآن بدون استفاده از اهل بیت علیهم السلام اصرار داشتند.

### ۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر

- نوع اصولی‌ها و فقها در این بحث فقط به این نکته توجه کردند که اهل بیت علیهم السلام مفاد قرآن را برای ما تفسیر کردند؛ یعنی مطلقاً قرآنی را تقیید کردند و عمومات قرآنی را تخصیص زدند و احیاناً بعضی از موارد مبهم قرآن را برای ما توضیح دادند.
- در بحث‌های گذشته اشاره کردم که یکی از عناصر لازم برای تحقق خاتمیت این است که تحریف در آن صورت نگیرد و فرآیند تحریف یک امری است که دائماً در ادیان و مذاهب اتفاق می‌افتد و در خود اسلام هم رخ می‌دهد و باید با آن مقابله شود.

### ۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر

- باید در دین خاتم یک منبع مصون از تحریف وجود داشته باشد تا در مواقع بروز تحریف پلی برای رسیدن به حقایق ناب شود. در اسلام این منبع مصون، قرآن است. بزرگ‌ترین ویژگی قرآن در مقابل سایر کتاب‌های آسمانی همین است. همه آن کتاب‌ها دستخوش تحریف شدند در حالی که در قرآن هیچ تحریفی رخ نداده است؛ ولی این قرآن به تنهایی برای عدم تحریف کافی نیست

### ۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر

- و همین روایت منصور بن حازم و روایت هشام (دومین روایت همین باب ۱۳) به همین معنا اشاره دارند که بعد از پیغمبر صلی الله علیه و آله قرآن به تنهایی نمی تواند حجت باشد؛ زیرا قرآن گرفتار تفسیرهای گوناگون می شود و دستیابی به تفسیر صحیح برای ما مشکل خواهد بود.

### ۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر

- به همین دلیل اهل بیت علیهم السلام به عنوان مفسران قرآن معرفی شده‌اند؛ مفسرانی که تفسیر آن‌ها تفسیر معیار قرآن و روش تفسیری ایشان روش استاندارد تفسیر است. مسئولیت اهل بیت علیهم السلام نهادینه کردن همین روش بوده است و بیش از دو قرن و نیم دوران امامت برای این بود که این روش در بین مسلمانان تثبیت شود. با نهادینه شدن این روش، این امکان فراهم شده است که هر انسان محقق منصفی در هر زمانی که بخواهد به حقائق اسلامی دست پیدا کند.

### ۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر

- دسته دوم
- در این دسته روایاتی هستند که از تفسیر به رأی نهی می‌کند مانند:

### ۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر

- «حدثنا محمد بن موسى بن المتوكل رحمه الله قال حدثنا علي بن إبراهيم بن هاشم قال حدثنا أبي عن الريان بن الصلت عن علي بن موسى الرضا عن أبيه عن آباءه عن أمير المؤمنين ع قال قال رسول الله ص قال الله عز و جل ما آمن بي من فسر برأيه كلامي و ما عرفني من شبهني بخلقى و ما على دينى من استعمل القياس فى دينى»
- ریان بن صلت از امام رضا علیه السلام نقل می‌کند که خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید کسی که کلام من را به رأی خودش تفسیر کند، ایمان به من نیاورده است. همین مضمون در روایات دیگر نیز آمده است.

### ۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر

- آیا تمسک به ظواهر قرآن از قبیل تفسیر به رأی است؟
- برای اینکه به این سؤال پاسخ دهیم، باید بینیم تفسیر به رأی چیست؟
- در معنای خود تفسیر گفته‌اند تفسیر یعنی کشف **الغناء القناع** و پرده برداشتن است. بنابراین تفسیر در جایی تحقق پیدا می‌کند که نوعی خفاء و پوشیدگی وجود داشته باشد و اگر مطلبی آشکار است و خفایی در آن نیست، دیگر تفسیر آن معنایی نخواهد داشت.

### ۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر

- تفسیر به رأی یعنی در توضیح و تبیین آنچه مخفی است، با فکر و عقل و فهم شخصی خودمان استنباط کنیم. تفسیر به رأی در قرآن یعنی مستقل از قرآن و با عقل خودمان آیات را بفهمیم.
- در حقیقت می‌خواهیم به گونه‌ای فهم خود را به قرآن نسبت دهیم و به تعبیری بر آن تحمیل کنیم.
- به جای اینکه قرآن راهنمای باشد و ما از طریق قرآن مطلبی را بفهمیم، ما راهنمای قرآن شویم و مطلب قرآن را بر فهم و ادراک خودمان حمل کنیم.

### ۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر

- جواب
- قائلین به حجیت ظواهر قرآن گفته‌اند مراجعه به ظواهر قرآنی اصلاً از قبیل تفسیر نیست چه رسد به تفسیر به رأی؛ چون ظواهر قرآنی همچنان که از اسمش پیدا است، ظاهر و آشکارند و تمسک به ظواهر یعنی تمسک به بخش پیدای قرآن نه بخش پنهان.
- بنابراین تمسک به ظواهر قرآن یعنی به همان چیزی که از قرآن قابل فهم است و از همان ابتدا آشکار است. چیزی که نیاز به تفسیر دارد، اصلاً ظاهر به حساب نمی‌آید.

### ۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر

• توضیح شهید صدر رضوان الله علیه ذیل جواب

• می‌فرمایند این جواب درست است؛ لیکن یکجا این جواب با ابهامی مواجه می‌شود و آن در جائی است که استظهارات ما از ظواهر یک استظهار ساده و عمومی نیست. گاهی قرآن در یک مطلبی را ظهور دارد به گونه‌ای که هر کسی که این کلام را بشنود، همان مطلب برایش آشکار می‌شود و پیچیدگی چندانی در فهمش وجود ندارد؛

### ۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر

- مثلاً وقتی خداوند تبارک و تعالی می فرماید: «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» هر کسی که زبان عربی بلد باشد این را می فهمد که در این عبارت به وفای به عقد امر شده است و ما باید به قراردادها ملتزم باشیم. این یک مطلبی نیست که پیچیدگی چندانی داشته باشد.

### ۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر

- برخی از ظهورات برای همه افراد آشکار نیست مثل مواردی که فقیه برای استظهار آنها دقت‌های خاص اجتهادی به کار می‌گیرد؛ مثلاً در همین آیه فقها می‌گویند عقود جمع است و بر سرش الف و لام در آمده است و جمع محلی به الف و لام دلالت بر عموم دارد. بنابراین آیه دلالت می‌کند که وفا به تمامی عقدها لازم است.

### ۳. تفصیل بین ظواہر کتاب و سایر ظواہر

- بعد عقد را تحلیل عقلائی می‌کنند و می‌گویند عقد این است که یک قراری و اعتباری به قرار و اعتبار دیگری وابسته شود؛ چنان‌که مرحوم اصفهانی رضوان الله علیه می‌فرماید: «القراران المرتبطان».

### ۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر

- در پی این تحلیل عقلائی نتیجه می‌گیرند که خداوند تبارک و تعالی ما را امر کرده است به تمام مواردی که یک قرار به قرار دیگری مرتبط می‌شود، وفا کنیم؛ چه مصداق این عقد در زمان نص وجود داشته باشد و چه وجود نداشته باشد؛ مثل اشکالی از قرار دادها که امروز پیدا شده است و به سبب همین تحلیل در بحث قرار دادها گفته می‌شود «أوفوا بالعقود» یکی از عمومات معاملات است.

### ۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر

- امر به وفای به قرار داد، لازمه‌ای دارد که آن صحت این عقود لازم الوفاء است؛ چون وقتی شارع می‌گوید شما به قرار داد وفا کن، یعنی به لوازم قرار داد ملتزم باش. معنایش این لزوم التزام آن است که خود این قرار داد صحیح است. پس «أوفوا بالعقود» اگرچه در اصطلاح فقهی یک امر تکلیفی است.

### ۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر

- اینجا است که اخباری‌ها می‌گویند آیا این تحلیل‌ها تفسیر به رأی نیست؟
- این‌ها دیگر مثل آن ظهورات ساده و برای همه قابل برداشت نیست. چطور شما با همین قواعد و مطالبی که با تحلیل‌های عقل خودتان به آن رسیدید، به اجتهاد می‌پردازید؟

### ۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر

- شهید صدر رضوان الله علیه جواب می دهند که این کار تفسیر نیست چه رسد تفسیر به رأی.
- کاری که فقیه می کند، یک سری دقت عقلائی با استفاده از خود آیه است نه اینکه با عقل و استدلال های عقلی خودش به این معنا برسد و بعد بخواهد آن را بر قرآن تحمیل کند.
- فقیه می گوید اگر نظر دقیق به خود قرآن داشته باشی، این معنا را از قرآن می فهمی. در حقیقت می گوییم: «**شنونده** باید عاقل و دقیق باشد.»

### ۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر

- . المائدة، ۱.
- . غروی الاصفهانی، محمدحسین، حاشیة کتاب المکاسب، ج ۱، ص ۱۱۸.
- . در بحث استظهارات این پیش فرض را داریم که باید زمينة فهم آنچه که ما از قرآن یا روایات استظهار می‌کنیم، در زمان نص هم وجود داشته باشد؛ هرچند ممکن است در آن زمان به دلیل غفلت از بعضی نکته‌ها این فهم برای مردم آن زمان حاصل نشده باشد. (تأملات در علم اصول فقه، کتاب اول، دفتر ششم، بحث «حجیت ظهور زمان صدور»)
  - . بحوث فی علم الأصول، ج ۴، ص ۲۸۶.

### ۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر

- دسته سوم
- مضمون این دسته این است که قرآن فقط برای اهل بیت علیهم السلام حجت است؛ زیرا قرآن را نمی‌شناسد مگر کسی که مخاطب قرآن است و مخاطبین قرآن فقط اهل بیت علیهم السلام هستند.
- پس دیگران نمی‌توانند قرآن را بشناسند.
- این عدم امکان شناخت یعنی ظواهر قرآنی برای غیر اهل بیت علیهم السلام حجت نیست.

### ۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر

- این بحث به یک معنا به مبنای میرزای قمی رضوان الله علیه برمی گردد؛ البته ایشان اخباری نیست و با مبنای اخباری ها هم موافق نیست.
- مبنای ایشان این بود که ظواهر قرآنی فقط برای مقصود بالإنفهام حجت است.
- طبق این روایات مقصود بالإنفهام آیات، فقط اهل بیت علیهم السلام هستند.
- بنابراین ممکن است بین خداوند تبارک و تعالی و اهل بیت علیهم السلام یک رمز و رازی باشد که با آنها این آیات فهمیده شود.

### ۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر

- برای نمونه این روایت وارد شده است:

### ٣. تفصيل بين ظواهر كتاب و ساير ظواهر

- «عدة من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن خالد عن أبيه عن محمد بن سنان عن زيد الشحام قال: دخل قتادة بن دعامة على أبي جعفر فقال يا قتادة أنت فقيه أهل البصرة فقال هكذا يزعمون فقال أبو جعفر ع بلغني أنك تفسر القرآن فقال له قتادة نعم فقال له أبو جعفر ع بعلم تفسره أم بجهل قال لا بعلم فقال له أبو جعفر ع فإن كنت تفسره بعلم فأنت أنت و أنا أسألك قال قتادة سل قال أخبرني عن قول الله عز و جل في سبأ "وَقَدَرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سَيْرُوا فِيهَا لِيَالِيَّ وَ أَيَّامًا آمِنِينَ" فقال قتادة ذلك من خرج من بيته بزاد حلال و راحلة و كراء حلال يريد هذا البيت كان آمنا حتى يرجع إلى أهله

### ٣. تفصيل بين ظواهر كتاب و ساير ظواهر

- فقال أبو جعفر ع نشدتك الله يا قتادة هل تعلم أنه قد يخرج الرجل من بيته بزاد حلال و راحلة و كراء حلال يريد هذا البيت فيقطع عليه الطريق فتذهب نفقته و يضرب مع ذلك ضربة في هافيهما اجتياحه قال قتادة اللهم نعم

### ٣. تفصيل بين ظواهر كتاب و ساير ظواهر

- فقال أبو جعفر ع ويحك يا قتادة إن كنت إنما فسرت القرآن من تلقاء نفسك فقد هلكت و أهلكت و إن كنت قد أخذته من الرجال فقد هلكت و أهلكت ويحك يا قتادة ذلك من خرج من بيته بزاد و راحلة و كراء حلال يروم هذا البيت عارفا بحقنا يهوانا قلبه كما قال الله عز و جل " فَاجْعَلْ أَفْتِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ " و لم يعن البيت فيقول إليه فنحن و الله دعوة إبراهيم ع التي من هوانا قلبه قبلت حجته و إلا فلا يا قتادة فإذا كان كذلك كان آمنًا من عذاب جهنم يوم القيامة قال قتادة لا جرم و الله لا فسرتها إلا هكذا فقال أبو جعفر ع ويحك يا قتادة إنما يعرف القرآن من خوطب به»

### ۳. تفصیل بین ظواہر کتاب و سایر ظواہر

- در این روایت زید شحّام داستانی را نقل می‌کند که قتاده به خدمت امام باقر علیه السلام می‌آید و گفتگویی بین امام علیه السلام و قتاده صورت می‌گیرد. ابتدا حضرت می‌فرماید تو فقیه اصل بصره هستی؟ قتاده تواضع می‌کند و می‌گوید مردم این‌طور گمان می‌کنند. حضرت می‌فرماید شنیدم قرآن تفسیر می‌کنی؟ قتاده می‌گوید بله. حضرت می‌فرماید اگر از روی علم این را تفسیر می‌کنی، خودت خودت هستی! و حال من از تو سؤال می‌کنم. بعد از اینکه یک گفتگویی بین حضرت و قتاده صورت گرفت، حضرت می‌فرمایند اگر از پیش خودت قرآن را تفسیر می‌کنی، خودت هلاک شدی و دیگران را هم هلاک کردی و اگر از دیگران این تفسیر را می‌گیری، باز هم خودت هلاک شدی و دیگران را هم هلاک کردی و در ادامه حضرت می‌فرمایند قرآن را کسی می‌شناسد که مخاطب قرآن است که مقصود امام باقر علیه السلام خودشان بوده است که البته خود حضرت خصوصیت ندارد و سایر اهل بیت علیهم السلام را هم شامل.

### ۳. تفصیل بین ظواہر کتاب و سایر ظواہر

- . إنما يعرف القرآن من خوطب به. (الكافي، ج ۱۵، ص ۶۹۹)

### ۳. تفصیل بین ظواہر کتاب و سایر ظواہر

- شہید صدر رضوان اللہ علیہ می گوید ذیل این دستہ اول چہار روایت داریم و نمی گوید کجا هستند. من در طول سال‌ها بارها به این بحث رسیدم و ہر بار دوبارہ جستجو کردم و از انواع نرم‌افزارها را استفادہ کردم؛ اما جزء ہمین یک روایت پیدا نکردم.
- ایشان نام سہ راوی را بردہ و گفتہ است این افراد این روایات را نقل کردہ‌اند. من تمام روایاتی را کہ این روات نقل کردہ‌اند، نگاہ کردم و اصلاً روایتی در این زمینہ و بہ این مضمون ندارند. شاید یک مدرک روایی دیگر غیر از کتب اربعہ و کتاب‌هایی کہ ما داریم در دست شہید صدر رضوان اللہ علیہ بودہ است. بہ ہر حال ایشان از سعد بن طریف نام می‌برد. من تمام روایات سعد بن طریف را نگاہ کردم؛ ولی وی روایتی نقل نکردہ است کہ بہ این مضمون باشد. البتہ از وی روایتی نقل کردہ است کہ ائمہ علیہم السلام مفسر قرآن هستند و ما باید بہ ایشان مراجعہ کنیم؛ اما این روایت در گروہ دوم قرار می‌گیرد نہ در گروہ اول.

### ٣. تفصيل بين ظواهر كتاب و ساير ظواهر

- . سبأ، ١٨.

### ٣. تفصيل بين ظواهر كتاب و سائر ظواهر

- . ابراهيم، ٣٧.
- . الكافي، ج ١٥، ص ٦٩٨ - ٦٩٩.

### ۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر

- مقصود از «خو طب به»
- مقصود این نیست که در قرآن هیچ خطابی به غیر اهل بیت علیه السلام نشده است؛ چون در آیات فراوانی، به مردم، مؤمنین و حتی کفار خطاب شده است. مقصود این است که قرآن ابتدا در اختیار رسول اکرم صلی الله علیه و آله قرار می‌گرفت و بعد حضرت آن را برای مردم بیان می‌کرد.

### ۳. تفصیل بین ظواهر کتاب و سایر ظواهر

- بنابراین حتی آنجا که خطاب به مؤمنین یا به مسلمانان یا به همه مردم یا به کفار است، کسانی می‌دانند که مقصود از این خطاب‌ها چیست که رمز این قرآن را می‌دانند آن کسان پیغمبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام هستند.
- در مقام جواب به این دسته از روایات چند جواب مطرح شده است: